

کوتاه از دیپلماسی

در خواست برجامی ۴۱ مقام پیشین آمریکایی

● **ایسنا:** جمعی از مقامات امنیتی، نظامی و دیپلمات‌های پیشین آمریکایی از رئیس‌جمهور جدید کشور خود خواستند تا به توافق هسته‌ای با ایران بازگردد. به گزارش نشریه نیوز ویک، ۴۱ نفر از مقامات نظامی، امنیتی و دیپلمات‌های پیشین آمریکا در نامه‌ای سرگشاده به جو بایدن، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، از او خواستند تا مجدداً به توافق هسته‌ای با ایران بپیوندد؛ چراکه عدم بازگشت به توافق می‌تواند به معنی یک جنگ جدید پرهزینه باشد. این گروه از مقامات پیشین آمریکا که نامه سرگشاده به بایدن را امضا کرده‌اند، بر این باورند که برجام تنها راه‌حل جلوگیری از هسته‌ای‌شدن ایران است و اگر چنین نشود، می‌تواند خطر یک مناقشه پرهزینه را به‌همراه داشته باشد. آنها در نامه خود آورده‌اند: «به‌طور قوی از بازگردادن محدودیت‌های هسته‌ای برای ایران ازطریق بازگشت فوری تهران و واشنگتن به توافق به‌عنوان نقطه شروع مذاکرات بیشتر برای رسیدگی به سایر نگرانی‌ها در خصوص ایران حمایت می‌کنیم».

اداره گمرک و مرزبانی آمریکا مدعی بازداشت ۱۱ ایرانی شد

● **ایسنا:** اداره گمرک و مرزبانی آمریکا مدعی بازداشت ۱۱ ایرانی شد که گفته شده است به‌طور غیرقانونی از مرز مکزیک وارد ایالت آریزونای آمریکا شده بودند.

به گزارش شبکه بیورنیوز، اداره گمرک و مرزبانی ایالات متحده اعلام کرد که گروهی متشکل از ۱۱ ایرانی را که اوایل هفته جاری به صورت غیرقانونی از مرز مکزیک به ایالت آریزونای آمریکا وارد شده بودند، بازداشت کرده است. طبق بیانیه مطبوعاتی این سازمان، مأموران گشت مرزی آمریکا عصر دوشنبه پنج زن و شش مرد با تابعیت ایرانی از هم‌نظام ورود غیرقانونی به خاک ایالات متحده در شهر سن‌لئویس ایالت آریزونا بازداشت کرده و برای انجام مراحل قانونی به مرکز یوما انتقال داده‌اند.

سازمان مرزبانی آمریکا در اطلاعیه خود با بیان اینکه مأموریت اصلی گشت مرزی جلوگیری از ورود افراد و گروه‌های شرور به خاک ایالات متحده است، ایران را کشوری حافظ و اشاعه‌دهنده تروریسم خوانده که در لیست این سازمان به ثبت رسیده است. مقامات آمریکایی با این حال تصریح نکرده‌اند که آیا افراد بازداشت‌شده مظنون به فعالیت‌های تروریستی بوده‌اند یا نه. اداره مرزبانی آمریکا گفته است تعداد ایرانیان بازداشت‌شده در سال جاری، بالاترین میزان در دو سال اخیر بوده است. در سال ۲۰۲۰ میلادی مأموران مرزبانی آمریکا هشت ایرانی را بازداشت کرده بودند. این سال ۲۰۲۱ میلادی تاکنون به ۱۴ نفر رسیده است.



ابوالقاسم دلفی **سفیر پیشین ایران در فرانسه**

آیا باید موضوع تمایل برخی کشورهای حوزه منطقه خلیج‌فارس به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، برای حضور در مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با جامعه بین‌المللی و توافق‌نامه موسوم به برجام را جدی بگیریم و از اظهارات رئیس‌جمهور ذوقزده فرانسه در حمایت از این ایده نگران باشیم و با تمام قوا در صدد مقابله با آن و صرف هزینه‌های اضافی برآیم؟ در گرماگرم فعال‌شدن آرام دیپلماسی کارگزاران تازه‌نفس حوزه سیاست خارجی واشنگتن درگیر اولویت‌بندی موضوعاتی هستند که چهار سال حکومت ویرانگر ترامپ و ترامپیسیم برای آنها و دنیا به یادگار گذاشته است و یکی از موضوعاتی که می‌تواند در ساماندهی روابط صدمه‌بینده فراتلانتیکی نقش بسزایی ایفا کند، در دستور کار وزیر خارجه جدید آمریکا و همکاران ایشان قرار دارد. برجام و آینده عملیاتی مجدد آن از اهمیت و جایگاه تأثیرگذار خود در این فضا می‌تواند نقش آفرینی کند. در اینکه ایالات‌متحده به‌دلیل نقض قوانین بین‌المللی و خروج از موافقت‌نامه هسته‌ای برجام، جایی انکارناپذیر به تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی کرده و باید در اولین اقدام سریع‌ا جبران مافات و بازگشت به تعهدات و لغو تعهداتی برجامی و غیربرجامی دوران ترامپ کند، تردیدی وجود ندارد و توسل به بازی «بازگشت اولیه ایران به تعهدات برجامی برای زمینه بازگشت آمریکا به برجام»، تنها می‌تواند فرصت‌سوزی و نزدیک‌ترشدن به موعد تعیین‌شده در مصوبه مجلس شورای اسلامی برای توقف اجرای داولطبانه پروتکل الحاقی و نجات بعدی آن از جمله کاستن‌شدن و ممانعت از بازرسی‌های کارشناسان سازمان انرژی اتمی باشد. درعین‌حال آنچه در منطقه خلیج‌فارس و به موازات تحولات موافقت‌نامه هسته‌ای در آمریکا درحال تداوم و شکل‌گیری واقعی‌تر برای فشار بر بازیگران مناسبات برجامی جمهوری اسلامی ایران است، به‌مراتب قابل‌توجهی‌تر و بااهمیت‌تر بوده و فقدان نگاهی مشورت‌تر از آنچه تاکنون شاخصه‌های راهبرد و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه تشکیل می‌داده، خود را آشکارتر می‌کند.

در فرایند تدوین و شکل‌گیری اولیه مذاکرات هسته‌ای با گروه کشورهای پنج به اضافه یک و نهایی‌شدن آن در ماه جولای سال ۲۰۱۵، غفلتی غیرقابل‌انعام‌شدن کم‌توجهی به منطقه پیرامونی منافع ملی در خلیج‌فارس و حساسیت‌هایی که از بدو استقرار جمهوری اسلامی ایران و در ادامه فضای ایران‌هراسی‌ها در منطقه به وجود آمده بود، شرایطی را نداعی کرد که در تشدید جو بی‌اعتمادی منطقه‌ای و ایجاد هراسی بیهوده مؤثر و تأثیرگذار شد که مورد سوءاستفاده صهیونیست‌ها و سایر بازیگران در حال قدرت، این فضا و عبور ساده‌انکارانه از آن‌که علی‌القاعده ناشی از

دیپلماسی

با کشورهای منطقه خلیج فارس چه کنیم؟



شیفتگی‌ها و دل‌مشغولی‌های پس از نهایی‌شدن برجام می‌توانست باشد، تصور کاذبی در بین شیوخ منطقه، خصوصا عربستان سعودی برای سرمایه‌گذاری بیشتر و جبهه‌سازی سنگین‌تر علیه همسایه شمالی خود در خلیج‌فارس ایجاد کرد و یکی از مستمسک‌های این فرضیات در ادعای حضور آنها برای مذاکرات بین‌المللی با جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای، شکل مطالباتی و عملیاتی به خود گرفت. در این راستا مواضع آقای امانوئل مکرון، رئیس‌جمهور فرانسه، در اظهارات و ادعای عجیب و غیرواقعی اخیر خود مبنی‌بر ضرورت حضور آتی برخی کشورهای منطقه خلیج‌فارس در مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که مورد اعتراض ضمنی و رد آن از سوی اتحادیه اروپایی نیز قرار گرفت، از همین مبدا و منشا و ذوقزده‌گی حضور اقتصادی نظامی بیشتر فرانسه در خلا حضور آمریکا در حیات منطقه، قابل توجه و بررسی است. آنچه باید متعاقب یا هم‌زمان با انجام مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گروه کشورهای پنج به اضافه یک در مشورت‌های منطقه‌ای و پیرامونی برای بیان حسن‌نیت روابط همسایگی معقول مورد توجه قرار می‌گرفت و رفع شبهات و دلمشغولی‌های همسایگان را هدف قرار می‌داد، در شرایط فعلی نیز به نظر می‌رسد در یک شبهه‌سازی غیرقابل‌توجیه درحال شکل‌گیری و تحقق است.

کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس در کلیت و جزئیات مناسبات خود، سابقه مشخصی در قبال همسایه شمالی خود در خلیج‌فارس نداشته و اگر از استثنائات نادر چهار دهه عمر انقلاب اسلامی عبور کنیم، تقریباً کارنامه قابل‌قبولی برای هویت ۴۰ سال حیات تدافعی خود که اصولا با اهداف امنیتی و نظامی مشخصی رقم خورده، بر جای نگذاشته‌اند. لیکن به مصداق اینکه همسایگان انتخاب‌شدنی نیستند و مدارا و حسن‌همجواری نیز از اصول شناخته‌شده و جاری و ساری بین‌المللی است، باید گفت‌وگوی واقعی و مشورت‌های مستمر و دائمی در دستور کار طرفین قرار داشته باشد. نگاه به این مجموعه منطقه‌ای به‌دلیل ماهیت و نوع مناسبات داخلی و خارجی آن، تاکنون از منظر مشخص مورد توجه بوده است. اینکه در مجموعه شورا در مورد تمامی مسائل متحدته اجماع

اساسی و بنیادین باشد. نتایجی که از «طرح هرمز»، «ایده مجمع‌گفت‌وگوهای فراگیر منطقه‌ای» و قبل از هر دو این ابتکارات که اصولا براساس ذهنیت‌ها و منویات یک طرف ماجرا رقم خورده بود و تأکید مکرر بر اجرائی‌شدن بند هشت قطع‌نامه ۵۹۸ که در فضا و روند تحولاتی مشخص دوره‌ای از تحولات منطقه شکل گرفته بود، همگی گویای واقعیتی است که گفت‌وگو همواره باید توسط دو سوی ماجرا تدارک شود و یک‌تنه به قاضی رفتن و یک‌طرفه طی‌کردن این مسیر، سرانجامی جز آنچه پیش‌رو داریم نخواهد بود. از این‌نکته نیز نباید غافل شد که مسیر مبتنی‌بر همکاری، همواره راهبرد اعلامی کشور در خلیج‌فارس بوده است؛ منطقه‌ای که مملو از بی‌اعتمادی و ناباوری نسبت به ادعاهای طرفین بوده و هنگامی که این احساس عمومی، با دوسویه‌بودن راهبردهای سیاسی امنیتی و نظامی کشور در منطقه مواجه می‌شود، دامنه فاصله‌گیری همسایگی بیش‌ازپیش خودنمایی می‌کند.

تجربه رای‌گیری اخیر سازمان ملل متحد در قبال پیشهاد دولت در حال زوال ترامپ برای برقراری مجدد کمیته تحریم جمهوری اسلامی ایران که با فضاقت تمام با مخالفت اکثریت آرای کشورها روبه‌رو شد، شورا، تا چه زمانی باید همواره سد راه عبور از مشکلات بی‌اعتمادی‌های منطقه‌ای باشد، بسیار حائز اهمیت است. اصولا پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها در این اصل نهفته نیست که چرا برخی با بعضی از کشورهای منطقه خلیج‌فارس (به غلط) قبل و بعد از تحقق برجام، از جمهوری اسلامی ایران نگران بوده و همچنان نیز نگران هستند یا اینکه اصلا شورا به هدف تقابل با ایران شکل گرفته و بنابراین برخوردی خاص را می‌طلبد.

اگر منافع ملی واقتضائات جاری منطقه‌ای و مناسبات با همسایگان شرقی، گفت‌وگو و مراوده در چنین سطحی در تهران را با سران طالبان با آن سابقه «درخشان» و خاصم با ایران را مجاز و مشروع می‌کند و بر آن نیز باید صحنه گذاشت، عینک نگاه به خلیج فارس و رابطه با همسایگان جنوبی این آبراه نیز می‌تواند کدرزدایی شود. اینکه در مقطع محدودی از روابط و مناسبات با عربستان سعودی، به‌دلیل نوع رفتار و بینش‌های بلند حاکمیت، روابط توانست عبوری آسان‌تر و قابل‌فایده‌تر از مصایب و مشکلات را در فضای منطقه‌ای آن دوره رقم زده و بسترسازی کند، حکایت از آن دارد که با نگاه سنتی و بدبینانه به تحولات منطقه، نتنها دربر همواره بر همین پاشنه می‌چرخد بلکه منزلگاه مناسبی برای فرصت‌طلبی معاندان منطقه‌ای که باید توأم با صلح و دوستی باشد، فراهم می‌کند که در ادامه، مانعی قطعی برای تأمین منافع همگانی در بستری از تعریف جایگاه‌ها و ظرفیت‌های مورد قبول جمعی را نیز ایجاد می‌کند. آورده‌های موافقت‌نامه برجام، قبل و بعد از نهایی‌شدن، آن به‌طور قطع در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران و منطقه خلیج‌فارس برای داشتن روابطی متناسب و مورد قبول همگانی با کشورهای متعهد در سند برجام، اعم از اروپایی، روسی، چینی و ایالات متحده بوده و تبیین و توجیه این عنصر برای منطقه، قطعاً می‌توانست و می‌تواند در شفاف‌سازی و رفع شبهات ایران‌هراسی و تصور واهی نظامی‌بودن راهبرد هسته‌ای کشور بسیار

تماس‌های برجامی اروپایی‌ها با واشنگتن

دارد. اگر این به اجرای کامل تعهداتش ذیل برجام بازگردد، آمریکا هم همین کار را خواهد کرد». این تکرار موضع پیشین مقامات آمریکا دراین‌باره است. مقامات ایران دراین‌باره گفته‌اند اقدامات ایران در زمینه کاهش تعهدات در واکنش به ترک برجام از سوی آمریکا و ناکامی طرف‌های اروپایی در عمل به تعهدات‌شان انجام شده است و در نتیجه ایران پس از بازگشت آمریکا و دیگر طرف‌ها به تعهدات‌شان، به تعهدات خود برخیزد.

ساکي ادامه داد: «سپس آمریکا از این فرصت به‌عنوان بستری برای ایجاد یک توافق طولانی‌تر و قوی‌تر استفاده می‌کند که سایر حوزه‌های مسورد نگرانی را نیز برطرف کند؛ اما این کار با مشارکت شواهدی‌مان در ۵+۱ و همچنین مشورت با کنگره انجام خواهد شد». او افزود: «تیم امنیت ملی آمریکا در حال برکناری این نشست‌های درباره خاورمیانه است».

کاهش فشار برای مقابله با کرونا بررسی می‌شود

درعین‌حال ایبنا به نقل از بلومبرگ نوشت منابع آگاه از نیت و قصد دولت آمریکا برای کاهش تحریم‌ها و تسهیل امکان خرید و فروش نفت ایران خبر دادند.

این افراد اعلام کردند که مقام‌های آمریکایی در حال رایزنی در‌باره اعطای وام توسط صندوق بین‌المللی پول به تهران برای مقابله با ویروس کرونا و کاهش تحریم‌هایی هستند که مانع از کمک به ایران برای مقابله با کرونا شده است. همچنین این منابع از احتمال لغو فرمان خروج از برجام توسط بایدن خبر دادند.

ادعای وال‌استریت ژورنال و واکنش اولیانوف

فلز رادیواکتیو بوده است که می‌تواند نشان دهد ایران فعالیت‌هایی در زمینه تسلیحات هسته‌ای داشته است. اگر برخی منابع آگاه گفته‌اند که به‌طور دقیق از ماهیت یافته‌های جدید بازرسان آژانس مطلع نیستند. بنا بر این گزارش، مقامات کاخ سفید وزارت امور خارجه آمریکا به درخواست وال‌استریت ژورنال برای اظهارنظر دراین‌باره هنوز پاسخی نداده‌اند. در واکنش به این ادعا، میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در آژانس در توئیتر نوشت: «دیپلمات‌ها باید گسترده‌تر فکر کنند. چه کسی به آثار مواد رادیواکتیوی اهمیت می‌دهد که

ادامه از صفحه اول

ابهامات رد لایحه مصوب

کمیسیون تلفیق بودجه

۱) نمایندگان مجلس از زمان چاپ و توزیع لایحه بودجه سالانه کل کشور و پیوست‌ها و سوابق آن تا ۱۰ روز می‌توانند پیشنهادهای خود را به کمیسیون‌های تخصصی بدهند.

۲) کمیسیون‌های تخصصی موظف‌اند حداکثر تا ۱۵ روز پس از چاپ و توزیع لایحه، گزارش خود را به کمیسیون تلفیق تقدیم نمایند.

۳) کمیسیون تلفیق هم موظف است حداکثر ظرف ۱۵ روز پس از پایان مهلت گزارش کمیسیون تخصصی، ضمن رسیدگی به گزارش کمیسیون‌های تخصصی گزارش نهایی خود را تنظیم و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. آنچه در بالا آمده برگرفته از ماده ۱۸۶ آیین‌نامه داخلی مجلس است که نحوه رسیدگی به لایحه بودجه را در ارجاع به کمیسیون‌های تخصصی و مدت و مهلت آن و نیز

ارجاع نظر کمیسیون‌های تخصصی به کمیسیون تلفیق است؛ یعنی عملاً خروجی آنچه در جلسه گذشته مجلس به‌عنوان کلیات بودجه سال ۱۴۰۰ ارد شد، لایحه دولت نبود بلکه لایحه‌ای بود که در یک نوبت ۱۰روزه در کمیسیون‌های تخصصی مورد بحث و نقد و در پیشنهاد نمایندگان عضو کمیسیون‌های تخصصی قرار گرفته و حاصل تضارب آرای نمایندگان کمیسیون‌های تخصصی به کمیسیون تلفیق ارجاع شده بود و کمیسیون تلفیق هم در مهلت ۱۵روزه مورد نظر قانون‌گذار اصلاحات موردنظر را در متن

نهایی لایحه بودجه تقدیمی از طرف دولت به مجلس اعمال کرده بود و اگر اعضای کمیسیون تلفیق نیاز به فرصت بیشتری داشتند، به استناد بند ۳ ماده ۱۸۶ آیین‌نامه داخلی مجلس می‌توانستند از هیئت‌رئسه مجلس یک نوبت فرصت ۱۵روزه برای بررسی نظریات نمایندگان درخواست کنند. مجلس دارای کمیسیون‌های مختلفی است، ازجمله کمیسیون‌های تخصصی که تعداد اعضای آنها حداقل ۱۹ و حداکثر ۲۳ نفر است. اعضای کمیسیون‌های تخصصی براساس تخصص (مدرک تحصیلی) سوابق اجرائی و سابقه عضویت در کمیسیون مورد درخواست توسط اعضای جلسه مشترک هیئت‌رئسه و رؤسای شعب تعیین می‌شوند؛ بنابراین افراد عضو کمیسیون‌های تخصصی از نیروهای کارآمد و متخصص نماینده در حوزه تخصصی خود هستند و تشخیص آنها در امور مربوط به کمیسیونی که عضو آن هستند، براساس تخصص و کارآمدی آنان است. کمیسیون تلفیق کارآمدی بیشتری دارد چون این کمیسیون به‌منظور تنظیم اصول و مفاد برنامه‌های توسعه و لویاح بودجه کل کشور و ایجاد هماهنگی بین کمیسیون‌های تخصصی پس از تقدیم لایحه بودجه توسط دولت به مجلس با این ترکیب از نمایندگان تشکیل می‌شود.

۱)از کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات ۹ نفر.
۲)از هر کمیسیون تخصصی ۳ نفر.
انتخاب اعضا توسط کمیسیون‌های مربوطه صورت می‌گیرد و بعد از آن انتخاب درون کمیسیونی افراد منتخب به هیئت‌رئیسه مجلس معرفی می‌شوند و مأموریت کمیسیون تلفیق تا تصویب نهایی لایحه بودجه سالانه کل کشور ادامه می‌یابد و با حضور اکثریت مطلق اعضا رسمیت پیدا می‌کند. کار کمیسیون تلفیق آن‌قدر حساس و مهم است که در ماده ۴۵ آیین‌نامه داخلی مجلس پیش‌بینی شده است که ارائه پیشنهاد‌های مربوط به حوزه‌های انتخابیه اعضای کمیسیون تلفیق که منجر به ایجاد ردیف جدید در بودجه یا افزایش اعتبارات یا تغییر عنوان طرح‌ها ممنوع است. تا نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق نتوانند امتیاز بیشتری برای حوزه انتخابیه خود در نظر بگیرند. لایحه بودجه در نیمه آذرماه به مجلس تقدیم شد و تا روزی که کلیات آنچه در کمیسیون تلفیق تأیید نهایی شده بود، در صحن علنی مجلس رد شد. نزدیک به دو ماه طول کشید. پرسش این است نمایندگان مجلس در این نزدیک به دو ماه که لایحه بودجه در

هیئت‌رئسه و بین کمیسیون‌های تخصصی و در نهایت بررسی در کمیسیون تأثیرگذار، تلفیق در گردش بود، متن اصلی لایحه بودجه و نیز نظریات کمیسیون‌های تخصصی و تغییرات و اصلاحات ارجاعی به کمیسیون تلفیق و بررسی‌های موردی کمیسیون تلفیق را رصد نمی‌کردند؟ این وقت و فرصتی که از دست رفت را چه کسی پاسخ‌گوست؟ متنی که الان به دولت اعاده شده، چه متنی است آیا دولت باید تغییرات صورت‌گرفته در کمیسیون‌های تخصصی و نیز تغییرات یا اصلاحات کمیسیون تلفیق را به‌عنوان لایحه‌اعاده‌شده قبول‌کند یا چون کلیات لایحه رد شده است، هم‌اکنون دولت الزامی برای پذیرش اصلاحات و تغییرات صورت‌گرفته در کمیسیون‌های تخصصی و کمیسیون تلفیق را ندارد. به باور نگارنده و با تکیه بر عموماًت قانونی و اصول بودجه‌نویسی آنچه از صحن علنی بعد از رد کلیات به دولت اعاده شده است، لایحه بودجه‌ای نیست که دولت در نیمه آذرماه

به مجلس تقدیم کرد بلکه لایحه‌ای دستکاری شده است که در کمیسیون‌های تخصصی و نیز کمیسیون تلفیق به کلی دگرگون شده است. دولت نمی‌تواند به متنی که بعد از چرخیدن در کمیسیون‌های تخصصی و نیز کمیسیون تلفیق سرانجام فعلی را پیدا کرده است، اعتبار ببخشد و قانونا باید متن اولیه را دوباره

به صورت لایحه به مجلس تقدیم کند؛ با این تفاوت که دولت با این ارسال و اعاده متوجه نظریات مجلس شده است و این حق را دارد که در تهیه متن جدید لایحه بودجه در صورت موافقت نیم‌نگاهی به لایحه رده‌ده داشته باشد.